

زیست بوم کرونا و آموزش و پرورش ایران (1)

سیدجواد حسینی

کرونا پدیده‌ای ناخوانده بود که به جامعه بشری پرتاب شد و ابعاد مختلف زندگی انسان را تحت تاثیر خود قرار داد، کرونا پدیده‌ای غیرعادی، غیرطبیعی، مبهم، ناخواسته، غیرقابل پیش‌بینی، دارای آثار و عوارض ناشناخته بود که همراه شد با میزان بالایی از آسیب‌هایی به قلمرو سلامت جسم و جان و روح و اقتصاد و فرهنگ و حتی حوزه سیاست و دگرگونی‌های سریع، همه‌جانبه، عمیق و مبهم و غیرقابل پیش‌بینی را به جامعه و نظام آموزشی تحمیل نمود، چنین شرایطی از منظر جامعه‌شناختی به جامعه توفانی و جامعه لحظه‌ای (ژله‌ای) تعبیر می‌شود که به توضیح مختصر آن خواهیم پرداخت.

جامعه لحظه‌ای (ژله‌ای): جامعه لحظه‌ای یا ژله‌ای را دکتر پرویز پیران استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران به‌کار گرفته‌اند و مراد ایشان از این اصطلاح تاکید بر شرایطی است که در آن يك جامعه بدون برنامه‌ریزی‌های دقیق درازمدت، دایم به شکل لحظه‌ای تصمیم می‌گیرد و اداره جامعه با چشمانداز روشن و برنامه‌ریزی‌های پایدار همراه نیست. از نظر ما زیست بوم کرونا چنین وضعیتی را برای کل جامعه و خصوصا نظام تعلیم و تربیت ایجاد کرد، به دلیل ناشناختگی این ویروس و عملکرد غیرقابل پیش‌بینی آن برنامه‌ریزان تعلیم و تربیت می‌بایست به شکل لحظه‌ای تصمیمات حتی گاه متفاوت و متناقضی را اتخاذ می‌کردند.

جامعه توفانی: از سوی دیگر به‌زعم اینجانب که در دوران پیشاکرونا سرپرست وزارت آموزش و پرورش و در دوران کرونا معاونت وزارت و ریاست سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور را برعهده داشتم، دوران کرونا جامعه ایران و خصوصا نظام تعلیم و تربیت ایران را با شرایطی مواجه ساخت که می‌توان آن شرایط را جامعه توفانی نام نهاد. جامعه توفانی زمانی شکل می‌گیرد که شرایطی در جامعه حاکم شود که دگرگونی‌های اجتماعی سریع اتفاق افتد، دگرگونی‌ها در همه ابعاد زندگی محقق شود، دگرگونی‌ها به شکل عمیق و بنیادی رخ نمون شود،

تحولات غیرقابل پیش‌بینی و مبهم باشد، ابعاد دگرگونی‌ها ناشناخته و آثار آن متفاوت و غیرقابل پیش‌بینی باشد. شرایط زیست بوم کرونا در تعلیم و تربیت ایران همه این عناصر و مولفه‌ها را در عصر کرونا تجربه کرد. دگرگونی‌های مدام و مستمر در حوزه تعلیم و تربیت مثل تعطیلی سریع و زودهنگام مدارس، استمرار نظام یاددهی و یادگیری در بستر فضای مجازی، شبکه شاد، مدرسه تلویزیونی، مدرسه خانگی و ارسال درسنامه‌ها و خودآموزها، درگیر شدن خانواده‌ها با امر آموزش، استفاده سریع از فناوری‌های نوین دیجیتال در قلمرو آموزش و... این دگرگونی‌ها در همه ابعاد تعلیم و تربیت اتفاق افتاد، دانش‌آموزان، معلمان، مدیران، خانواده‌ها، محتواهای کتاب درسی، همه و همه با شرایطی مواجه بودند که با رویکرد انعطاف حداکثری و استمرار آموزش به‌رغم تعطیلی مدارس با پوشش حداکثری نظام تعلیم و تربیت را باید در پهنه جدیدی تداوم می‌بخشیدند. دگرگونی‌های ناشی از زیست جهان کرونا علاوه بر سرعت و همه بعدی بودن، عمیق و بنیادین بودند. تحولات سطحی نبودند که بتوان با تصمیمات سریع و عادی آنها را مدیریت کرد تمامی کشورها از جمله ایران برای اولین بار با حجم بسیار و در زمان بسیار طولانی مجبور بودند مدارس را تعطیل کنند و این تجربه تعطیلی طولانی و فراگیر، بی‌سابقه بود و در بعضی کشورها از جمله ایران راهبرد تعلیم و تربیت در مواجهه با این وضعیت در یک مثلث شکل گرفت که اضلاع آن عبارت بودند از: پوشش حداکثری با انعطاف حداکثری و البته تداوم آموزش در بسترهای جدید و این یک تحول بنیادین و عمیق بود که چگونه به‌رغم تعطیلی مدارس، آموزش تداوم یابد، انعطاف‌پذیری حداکثری در شیوه‌های مرسوم و معمول آموزش و پرورش شکل گیرد و با چه مدل‌هایی پوشش حداکثری محقق شود که هیچ دانش‌آموزی از سپهر و فرآیند آموزش و پرورش باز نماند، انجام این امور یعنی یک نگاه بنیادین و عمیق به عرصه‌های گوناگون تعلیم و تربیت اعم از مدیریت آموزشی و مدرسه‌ای، شیوه‌های یاددهی - یادگیری معلمان با دانش‌آموزان، ارتباطات جدید خانه و مدرسه و انعطاف هنگام برنامه درس ملی و محتواهای کتب درسی، همچنین هر کدام از این شیوه‌ها همراه با آثار و کارکردهای جدید و متفاوتی بود که شرایط ناشناخته و مبهمی را در قلمرو جامعه و تعلیم و تربیت رقم زد.

کارکردهای نامناسب زیست بوم کرونا در قلمرو تعلیم و تربیت ایران

همان‌گونه که اشاره شد، زیست جهان کرونا ناخواسته به جامعه جهانی و ایران پرتاب شد و آثار یا کارکردهای نامناسب زیادی را در ابعاد

سلامت، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ و خصوصا نظام تعلیم و تربیت از خود برجای گذاشت که مهم‌ترین آنها در قلمرو تعلیم و تربیت ایران عبارتند از:

الف) کارکردهای نامناسب در قلمرو آموزشی: به تعطیلی کشیده شدن مدارس، افت شدید تحصیلی را موجب شد و در کنار آن ترک تحصیل بخشی از دانش‌آموزان را سبب گردید، گرچه به‌رغم تعطیلی مدارس، آموزش در بسترهای دیگری استمرار یافت اما امکان تعاملات دوجانبه معلم- دانش‌آموز از یکسو و عدم سنجش و پایش میزان یادگیری دانش‌آموزان را از دیگر سو رقم زد.

مهارت‌های خواندن، به ویژه در دوره‌های ابتدایی و خصوصا پایه‌های اول و دوم و نیز آموزش‌های فنی- حرفه‌ای خصوصا در دوره‌های متوسطه فنی- حرفه‌ای و کار و دانش به شکل جدی دچار افت شد. شرایط زیست بوم کرونا و وضعیتی را رقم زد که مدیران آموزش و پرورش در سطوح مختلف، مدیریت عالی، میانی و خصوصا مدیران مدرسه‌ای آمادگی لازم برای مواجهه با وضعیت جدید را نداشتند، به ویژه توان استفاده مطلوب از فناوری‌های نوین وجود نداشت و زیرساخت‌های فناورانه آماده نبود، عدم آشنایی معلمان و مدیران برای استفاده از این فناوری‌ها به شکل مضاعف کیفیت آموزش را با مشکل مواجه ساخت، از طرف دیگر دانش‌آموزان غالبا در فضای جدیدی به شکل جدی و موثر حضور نداشتند برخی به دلیل عدم وجود امکانات مثل کامپیوتر، لپ‌تاپ و موبایل برخی به دلیل زندگی در مناطقی که متأسفانه به شبکه ملی ارتباطات متصل نبود. تقریبا 3 میلیون دانش‌آموز امکانات و وسایل ارتباطی هوشمند نداشتند و هفتصد هزار نفر در مناطقی بودند که به شبکه ملی ارتباطات متصل نبودند.

زیست جهان کرونا موجب شد که عارضه مهم عدم توجه به تعلیم و تربیت تمام ساحتی از عمق و گستردگی بیشتری رنج ببرد. در فضای جدید فعالیت‌های پرورشی و تربیت‌بدنی و سلامت، ظرفیت‌های روحی و تعاملات گرم در دانش‌آموزان آسیب جدی دید و سلامت اجتماعی و روانی و ساخت شخصیت تمام ساحتی ایشان را با اختلال مواجه ساخت.

نکته مهم آنکه در بسیاری از نقاط دنیا به دلیل تعطیلی مدارس و عدم نیاز به سرانه‌های آموزش و اداری مدارس، دولت‌ها بودجه‌های آموزش و پرورش را کاستند و در بخش‌های دیگری به هزینه گرفتند.

ب) کارکردهای نامناسب کرونا در قلمرو عدالت آموزشی: در کنار این

موضوعات که در دایره یادگیری و آموزش قرار می‌گیرند، عدالت آموزشی به عنوان یک مفهوم کلیدی و راهبردی که در سند تحول بنیادین هم تاکید زیاد بر آن شده است در زیست جهان کرونا با شرایط آسیب و محدودکننده روبه‌رو شد، عدم وجود امکانات و تجهیزات ارتباطی فناورانه به ویژه در مناطق غیر برخوردار و نیز عدم دسترسی به شبکه ملی ارتباطات در این مناطق عدم آشنایی و توان برخی خانواده‌ها در استفاده از این وسایل، عدم توان پشتیبانی علمی دانش‌آموزان که در این شرایط سخت نیازمند به پشتیبانی بودند، خصوصاً در دوره‌های ابتدایی و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه که بدون توان و حمایت خانواده امکان تعلیم و تربیت را نمی‌یافتند، آسیب‌های جدی در قلمرو عدالت و آموزشی به جامعه وارد ساخت، لذا در خانواده‌های محروم افت تحصیلی و ترک تحصیل بیشتری اتفاق افتاد. امروز وجود یک میلیون کودک بازمانده نتیجه چنین وضعیتی در دوران پسا کروناست.

در کنار این مسائل بسیاری از دانش‌آموزان و خانواده‌های محروم از امکانات حفاظتی که مدرسه در اختیار آنها می‌گذاشت مثل محیط امن، تعاملات مناسب، تغذیه رایگان، محیط‌های خوابگاهی، محروم شدند بنابراین شیوع ویروس خانواده‌های طبقات پایین جامعه آثار زیانبار گسترده‌تری را پدیدار ساخت و نابرابری‌های آموزشی تربیتی را عمق بیشتری بخشید.

بخش دوم این تحلیل در شماره‌های آینده منتشر خواهد شد

منبع: روزنامه اعتماد 31 مرداد 1402 □□□□□□